

Logographic Writing

۱۱۷/۹ خط واژه‌نگار

«خط واژه‌نگار» خطی است که هر علامت آن در مقابل یک واژه یا یک واحد دستوری قرار می‌گیرد. برخی از زبان‌شناسان خط چینی را به خاطر آن که در کتابتش غلایم، نمادهایی از مصداقهای معینی هستند، «اندیشه‌نگار» فرض کرده‌اند. اما به تعبیر دیگر چون غلایم به طور مستقیم در خط چینی نشانگر کلمات هستند، بدون آن که با آواهای تشکیل دهنده آن کلمات ارتباطی داشته باشند خط چینی را خط واژه‌نگار نیز دانسته‌اند. این خط نقش ارتباطی خود را در ورای آواها ایفا می‌کند و به همین دلیل است که بین سخنگویان لهجه‌های بسیار متفاوت چینی که گاهی به اندازه دو زبان جداگانه با هم فاصله دارند، می‌تواند ارتباط برقرار کند.

Syllabic Writing

۱۱۷/۱۰ خط هجایی

«خط هجایی» خطی است که هر علامت آن در مقابل یک هجا قرار می‌گیرد. خطهای میخی، عیلامی و بابلی و رسم‌الخط ژاپنی نیز از این گروه محسوب می‌شوند. یعنی علامتی واحد، نماینده [ma]، علامتی دیگر سمبل [me] و علامت سومی نمایانگر [mo] می‌باشد. این عمل را «هجانگاری» نیز گفته‌اند و با اصطلاح (Syllabery) نیز نشان داده‌اند (هجا).

Alphabetic Writing

۱۱۷/۱۱ خط الفبایی

«خط الفبایی» خطی است که هر علامت یا حرف آن نماینده یک آواست. اکثر خطهایی که در جوامع امروزی به کار می‌روند از این نوع هستند. این فرض که هر حرف نماینده یک آوا باشد، صرف نظر از خطهای آوانگار در مورد سایر خطها معمولاً میان نشانه‌های خطی و آواهای ما بازای آنها رابطه یک به یک وجود ندارد و این ویژگی امری نسبی است. علت این امر تغییر زبان و ثابت ماندن خط می‌باشد. برای مثال در بررسی زبان فارسی می‌بینیم که خط فارسی دقیقاً آواهای زبان فارسی را منعکس نمی‌کند و نتیجتاً دارای خصوصیتی ویژه خود می‌باشد. این امر کمابیش به نوعی در اکثریت زبانها مصداق دارد.

برخی از اشکالات خط فارسی عبارت‌اند از: ۱- در خط فارسی برای مصوتهای

Types of Orthography

117/ انواع خط

تکامل خط به شکل امروزی آن دارای تاریخی است که اگر بخواهیم از ابتدایی‌ترین مراحل آن سخن گفته و تا مراحل کنونی آن برسیم، باید که از سه مرحله مختلف آن که به نوعی نشان دهنده انواع مختلف آن نیز هست، سخن به میان آوریم (س. خاnlری/ تاریخ زبان، ج ۱، ص ۱۵).

Pictographic writing

117/۱ خط تصویرنگار

«خط تصویری» ابتدایی‌ترین نوع خط است و تنها خطی است که از انواع «زبان دیداری» به شمار می‌آید، یعنی خطی است که می‌تواند انسان را مستقیماً - بدون واسطه لفظ به معنی - از نشانه دیداری به وجود ذهنی اشیا برساند. بعضی از پژوهشگران صورت نخستین و منشأ اولیه خط را نقاشیهایی تصور کرده‌اند که برای نمایاندن یک شیء کشیده می‌شده است. نمونه بارز خط تصویری «رسم الخط» هیروگلیف مصر قدیم است. این خط در فارسی معادلهایی نظیر «صورت‌نگاری» و «تصویر وازه» و در انگلیسی نظیر "word image" دارد.

Ideographic Writing

117/۸ خط اندیشه نگار

در خط «اندیشه نگار» حروف یا علائم کتابت یا علامات می‌توانند مستقیماً نمادی از مفاهیم باشند. این علامتها یا نمادها در خط «اندیشه نگار» معنی و مفهوم کلمه‌ای را ادا می‌کنند و نه آواهای مربوط به آن را. در این خط ممکن است علامات شرطی گوناگونی نیز به کار روند. مانند خط یهلوی که در آن علامات اندیشه نگاری برای تحریر کلمات آرامی به کار می‌رفتند.

خط اندیشه نگار به خاطر نارساییهای موجود در خط تصویری در رساندن مفاهیمی مانند محبت و نفرت به وجود آمد. علائم کتابت خط چینی را معمولاً نمادهای مفهومی تشکیل می‌دهند. اگر در خط تصویری دایره، فقط معرف آفتاب باشد، در این خط می‌تواند نشان دهنده مفاهیمی همچون روشنایی، گرما، و آفتاب نیز باشد. این خط با وجود مفید بودن دارای میدان عمل محدودی است.